دومین مطلبی كه سیزده آبان نماد آن محسوب میشود، فریاد رسای امام بزرگوار ماست. آن فریاد، سالمترین و پاكیزه‌ترین فریادها بود كه از پاكترین حلقومها بیرون آمد. خیلی‌ها ممكن است گوشه و كنار یك حرفی بزنند، یك چیزی بگویند، یك اعتراضی بكنند؛ لیكن حلقومی كه فریاد سیزده آبان را در سال ۴۳ در عالم منتشر كرد، پاكیزه‌ترین حلقومها بود. اولاً این فریاد، برخاسته‌ی از حس دین بود؛ ثانیاً برخاسته‌ی از آن عِرق پاكیزه‌ی مسلمانی و ملی بود - نمیتوانست تسلط دشمن را بر این ملت تحمل كند - ثالثاً فریادی متكی به حمایت عمومی مردم بود. گفتم؛ با اینكه مردم اول اطلاع نداشتند، اما وقتی فریاد امام بلند شد، مردم حمایت كردند. همان حمایتها بود كه چهارده سال بعد به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. آن فریاد پاكیزه مثل فریاد رسائی بود كه پیامبران الهی در میان مردم سر دادند و مردم و دلهای مردم را جذب كردند. امام یك چنین حركت عظیمی را در كشور انجام داد، بعد هم متحمل هزینه‌اش شد؛ امام را از خانه و زندگی و خانواده و دوستان و نزدیكانش جدا كردند و به یك گوشه‌ی دنیا تبعید كردند. پس مطلب دوم هم این بود كه سیزده آبان نماد یك چنین فریادی است.

“

اما وقتی فریاد امام بلند شد، مردم حمایت كردند. همان حمایتها بود كه چهارده سال بعد به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. آن فریاد پاكیزه مثل فریاد رسائی بود كه پیامبران الهی در میان مردم سر دادند و مردم و دلهای مردم را جذب كردند.

مطلب بسیار مهم سومی كه پشت سر این نماد قرار دارد، قضیه‌ی دانش‌آموزان سال ۵۷ است. چهارده سال از آن حادثه كه گذشت، در سال ۵۷ جوانهای ما، نوجوانهای ما، دانش‌آموزان دبیرستانی ما به عنوان پاكترین و بی‌آلایش‌ترین قشرها توی میدان آمدند و كشته شدند. سیزده آبان روز كشتار دانش‌آموزان است توی همین خیابانهای تهران. وقتی این نوجوانها و جوانها توی میدان آمدند و فریاد چهارده سال قبل امام را در فضا انعكاس دادند، جلادان مزدور آمریكا از اینها انتقام گرفتند؛ روی اینها آتش گشودند، خون اینها روی اسفالت خیابانهای تهران ریخت و آن را رنگین كرد. این هم مطلب مهمی است؛ نه فقط به خاطر اینكه تعدادی جوان و نوجوان به شهادت رسیدند